

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۵ مارچ ۲۰۲۲

"گلبدین" و تلاشهای مذبحانه اش!

نوشته - ۲۳ حوت ۱۴۰۰ - کابل: در شرایطی که نظام ملاسلار تلاش دارد تا با تزئید فشار بر گلوی نازک رسانه ها، آنها را از بازتاب وقایع داخل کشور و حتا مسایل بین المللی بازدارد و از آنها می خواهد که غرض حل دشواری های زندگانی اجتماعی - اقتصادی عصر حاضر هم در داخل افغانستان و هم در فضای بین المللی، به صحیح مسلم و یا بخاری مراجعه نموده به کمک "ابو هریره" - پدر پشکها- بر آن دشواریها فایق آیند، "گلبدین" که در استفاده از فرصت ها به نفع خود با مکر و تزویر استاد مسلم است، بسیار سازمانیافته تلاش می ورزد تا با به نمایش گذاشتن آثار و نوشته هایش، نه تنها خود را در نزد اربابان از نو مطرح سازد، بلکه در آخر عمر سیما، چهره و کرکتر دیگری از خود به یادگار گذارد. در یادداشت امروز مکت کوتاهی در همین زمینه داریم:

۱- زنده یاد "صمد بهرنگی" رزمنده و نویسنده متعهد خلق ایران که یکی از نامدارترین قربانیان جنایات رژیم شاه می باشد، در کتاب "کند و کاو در مسایل تربیتی ایران" می نویسد: "این که گفته اند هر کتابی به یک بار خواندن می ارزد، درست نیست؛ زیرا در جهان آنقدر کتاب خوب وجود دارد که اگر انسان تمام عمر را مطالعه کند، بخشی از آن را تمام نمی تواند پس باید دید چه چیزی را خواند"- نقل به مضمون-

من هم که در مطالعه و انتخاب کتاب برای آن، می توانم خود را پیرو زنده یاد "صمد بهرنگی" معرفی بدارم، صادقانه باید بنویسم که به جز یکی دو عنوان از نوشته های "گلبدین" که عمدتاً تفسیر برخی از آیات و سوره های قرآن بود، چیز دیگری از وی نخوانده ام. تا در مورد محتوای کتابهایش و صحت و سقم آنها بحث نمایم. مگر همینقدر می دانم که آن کتب یا با اعمال و کردار خودش در تطابق قرار دارد و در واقع بازتاب شخصیت و کرکترش است و در آنها تلاش صورت گرفته تا جنایاتی را که انجام داده، تئوریزه نماید که در این صورت آن کتابها نه تنها ارزش خواندن ندارند، بلکه زیاله دانی هم جای مناسبی برای آنها نمی باشد؛ حالت دوم آن است که نویسنده بدون آن که به اعمال و کردار خودش نظر اندازد، از همان آغاز خواسته است با دروغ و ریا، اصلیت جنایتکارانه خودش را از انظار بیوشاند.

۲- برای من و میلیونها افغان دیگر مانند من، از آنجائی که نام "گلبدین" با تیزاب پاشی بر روی دختران و جنایت علیه نیروهای مترقی آغاز یافته و در ادامه به مثابه نوکر و جاسوس اجنبی به هزاران تن از فرزندان این مرزوبوم را در داخل و خارج از افغانستان به قتل رسانیده، اساساً روی آوردن وی به نویسندگی و خود را به مثابه یک عنصر متفکر، صاحب اندیشه و نویسنده معرفی داشتن، نه تنها شک بر انگیز بلکه بیانگر آن است که این جرثومه فساد، جنایت و

تباهی باز هم از جانب بادرانش به انجام کدام مأموریت جدیدی گماشته شده است، مأموریتی که اینبار به جای قتل و حذف جسدی مردم، قتل تفکر و اندیشه را نشانه گرفته است.

۳- در همین جا بی‌مناسبت نخواهد بنویسم، هرگاه "گلبدین" واقعاً و صادقانه خواسته باشد به مثابه یک نویسنده در بقیه عمرش تبارز نماید، پیشنهاد من برایش این است تا نخست کتاب "اعترافات" اثر "ژان ژاک روسو" را با دقت بخواند و ببیند که نویسنده چگونه به گذشته‌ها و عملکردش برخورد با وجدانش تصفیه حساب نموده است، بعد از آن می‌تواند با سرمشق گرفتن از "روسو" به تحریر خاطراتش بدون کم‌وکاست آغاز نماید. البته با در نظر داشت قوانین اسلامی می‌تواند رابطه‌اش با کرینکار را تذکر ندهد. در آن خاطرات بنویسد که چگونه و چرا بر روی دختران مکاتب کابل تیزاب پاشی می‌نمود، بنویسد که چرا و به دستور کدام نهاد استخباراتی خارجی زنده یاد "سیدال سخندان" را به قتل رسانید، بنویسد که به مجوز شرعی کدام مقامی رایت مندرس اسلام سیاسی را علیه جمهوریت "داوود خان" بر افراشت، بنویسد که مناسباتش با دولت پاکستان در کل و استخبارات نظامی آن کشور چگونه بود، بنویسد که به دستور چه کسی فرمان قتل زنده یادان، الفت، مجروح، داکر فیض احمد، مینا، قیوم رهبر، داکتر سعادت و صد‌ها انسان خبیر جوانان رمنده دیگر را در پاکستان صادر نمود، بنویسد که چرا و به فرمان کدام مقاماتی پیروزی خلق ما علیه سوسیال امپریالیسم شوروی را، در یک رقابت تنگاتنگ با مسعود- ربانی، به شکست سیاسی و فاجعه قرن مبدل ساخت، بنویسد که به دستور کدام مقاماتی از کدام کشور‌ها، بیش از ۶۵ هزار از هموطنان ما را در شهر کابل به خاک و خون کشید و ...

هموطنان گرامی!

به نظر من تا زمانی که این اجوبه ظلمت و تاریکی و این جرثومه فساد و تباهی، حاضر نگردد با برداشتن قلم نخست به جنایات و خیانت‌هایی که انجام داده، صادقانه برخورد نماید، هیچ نوشته‌اش نه این که ارزش خواندن ندارند بلکه می‌باید آنها را جمع و نابود نمود تا باعث آلودگی بیشتر فضاء و جامعه نگردند.

هموطنان گرامی!

تلاش مذبحخانه "گلبدین" جهت معرفی خودش از زاویه دیگری، یکی از برنامه‌های نهاد‌های استخباراتی خارج افغانستان است که می‌خواهند بدین وسیله، وی را به مثابه بدیل مناسبی برای طالب معرفی بدارند؛ این را باید بدانیم که برای خلق افغانستان "گلبدین" و "طالب" دو روی یک سکه اند که در زمانش هر دو به گورستان تاریخ فرستاده خواهند شد.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع‌ها را مذهبی-طالبی به صورت خاص می‌باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!